

آیا معنی زیبای ماه های ایرانی را می دانید؟!

است. ایزدان تیر و باد و فروردین از همکاران خرداد می باشند. خرداد نماینده رسایی و کمال اهورامزدا ست و در گیتی به نگهبانی آب گماشته شده است.

تیر: نمائندگی جنگل در جزیره

تیر نام چهارمین ماه سال و روز سیزدهم هر ماه گاه شماری اعتدالی خورشیدی است. در اوستا تیشتریه، در پهلوی تیشتر و در فارسی صورت تغییر یافته آن یعنی تیر گفته شده که یکی از ایزدان است و به ستاره شعرای یمانی اطلاق می شود. فرشته مزبور نگهبان باران است و به کوشش او زمین پاک از باران بهره مند می شود و کشتزارها سیراب می گردد. تیشتر را در زبان های اروپایی سیریوس خوانده اند. هرگاه تیشتر از آسمان سر بزند و بدرخشند مژده ریزش باران می دهد. این کلمه را نباید با واژه عربی به معنی سهم اشتباه کرد.

مرداد: جنگل

مرداد نام پنجمین ماه سال و روز هفتم هر ماه در گاه شماری اعتدالی خورشیدی است. در اوستا امرتات، در پهلوی امرداد و در فارسی امرداد گفته شده که کلمه ای است مرکب از سه جزء: اول آ اادات نفی به معنی نه، دوم مرتا به معنی مردنی و نابود شدنی نیست سوم تات که پسوند دال بر مونث است. بنابراین امرداد یعنی بی مرگی و آسیب ندیدنی یا جاودانی. پس واژه مرداد به غلط استعمال می شود. در ادبیات مزدیسنا امرداد یکی از امشاسپندان است که نگهبانی نباتات با اوست. در مزدیسنا شخص باید به صفات مشخصه پنج امشاسپند دیگر که عبارتند از:

تیک اندیشی، صلح و سازش، راستی و درستی، فروتنی و محبت به همنوع، تامین اسایش و امنیت

بقیه در صفحه ۴



جزء اول اشا از جمله لغاتی است که معنی آن بسیار متبسط است، راستی و درستی، تقدس، قانون و آئین ایزدی، پاکی... و بسیار هم در اوستا به کار برده شده است. جزء دیگر این کلمه که واژه وهیشت باشد. صفت عالی است به معنای بهترین، بیشت فارسی به معنی فردوس از همین کلمه است. در عالم روحانی نماینده صفت راستی و پاکی و تقدس اهورامزدا ست و در عالم مادی نگهبانی کلیه آتش های روی زمین به او سپرده شده است. در معنی ترکیب لغت اردیبهشت مانند بهشت هم آمده است.

خرداد طبیعت

خرداد نام سومین ماه سال و روز ششم در گاه شمار اعتدالی خورشیدی است. در اوستا و پارسی باستان هئوروتات، در پهلوی خردات و در فارسی خرداد یا خرداد گفته شده که کلمه ای است مرکب از دو جزء: جزء هئوروه که صفت است به معنای رسا، همه، درست و کامل. دوم تات که پسوند است برای اسم مونث. بنابراین هئوروتات به معنای کمال و رسایی

فروردین: فروردهای پاکان

فروردین نام نخستین ماه از فصل بهار و روز نوزدهم هر ماه در گاه شماری اعتدالی خورشیدی است. در اوستا و پارسی باستان فرورتینام، در پهلوی فرورتین و در فارسی فروردین گفته شده که به معنای فروردهای پاکان و فروهرهای ایرانیان است. بنا به عقیده پیشینیان، ده روز پیش از آغاز هر سال فروهر در گذشتگان که با روان و وجدان از تن جدا گشته برای سرکشی خان و مان دیرین خود فرود می آیند و ده شبانه روز روی زمین به سر می برند. به مناسبت فرود آمدن فروهرهای نیکان، هنگام نوروز را جشن فروردین خوانده اند. فروهران در ده روز آخر سال بر زمین هستند و بامداد نوروز پیش از بر آمدن آفتاب، به دنیای دیگر می روند.

اردیبهشت: طبیعت

اردیبهشت نام دومین ماه سال و روز دوم هر ماه در گاه شماری اعتدالی خورشیدی است. در اوستا اشاوهِشتاو در پهلوی اشاو هیشث و در فارسی اردیبهشت گفته شده که کلمه ای است مرکب از دو جزء:

آیا معنای ماههای زیبای

بشر مجبزه باشد تا به کمال مطلوب همه که از خصایص امرداد است تایل گردد.

شهریور: جنگل

شهریور نام ششمین ماه سال و روز چهارم هر ماه در گاه شماری اعتدالی خورشیدی است. در اوستا خشتروئیریه، در پهلوی شتریور و در فارسی شهریور می دانند. کلمه ای است مرکب از دو جزء: خشتتر که در

پاسبان فلزات. چون نگهبانی فلزات با اوستاو را دستگیر فقرا و ایزد رحم و مروت خوانده اند. روایت شده است شهریور آزرد و دلتنگ می شود از کسی که سیم وزر را بد به کار اندازد یا بگذارد که زنگ بزند.

مهر: محیط زیست

در سانسکریت میترا، در اوستا و پارسی میتر و در پهلوی میترو در فارسی مهر گفته می شود. که از ریشه سانسکریت آمده به معنی

اوستا و پارسی باستان و سانسکریت به معنی کشور و پادشاهی است و جزء دوم صفت است از ور به معنی برتری دادن و تیر به معنی برگزیده و آرزوشده و جمعا یعنی کشور منتخب یا پادشاهی برگزیده. این ترکیب بارها در اوستا به معنی بهشت یا کشور آسمانی اهورامزدا آمده است. شهریور در جهان روحانی نماینده پادشاهی ایزدی و فر و اقتدار خداوندی است و در جهان مادی

<p>پیوستن اغلب خاورشناسان معنی اصلی مهر را واسطه و میانجی ذکر کرده اند. مهر واسطه است میان آفریدگار و آفریدگان. میثره در سانسکریت به معنی دوستی و پروردگار و روشنایی و فروغ است و در اوستا فرشته روشنایی و پاسبان راستی و پیمان است. مهر ایزد همواره بیدار و تیرومند است و برای باری کردن راستگویان و بر انداختن دروغگویان و پیمان شکنان در تکاپوست مهر از برای محافظت عهد و پیمان و میثاق مردم گماشته شده است.</p> <p>از این رو فرشته فروغ و روشنایی نیز هست که هیچ چیز از او پوشیده نمی ماند. برای آن که از عهده نگهبانی بر آید اهورامزدا به او هزار گوش و ده هزار چشم داده است. مقام مهر در بالای کوه 'هرا' است، انجایی که نه روز است و نه شب، نه گرم است و نه سرد، نه ناخوشی و نه کثافت. مهر از آنجا بر ممالک آریایی نگران است. این آرامگاه خود به پهنای کره زمین است یعنی مهر در همه جا حاضر است و با شنیدن آوای ستمدیدگان آگاه گشته به باری آنان می شتابد.</p> <p>آیین مهر در دین مسیح نیز مشهود است. ایزد مهر در اصل بجز ایزد خورشید بوده است اما بعدها آندو را یکی دانسته اند. مورخان یونانی مهر را به نام میترس یاد کرده اند و کر کرده اند که ایرانیان خورشید را به اسم میترس می ستایند از این خبر پیداست که در یک قرن پیش از میلاد مسیح آندو با یکدیگر مخلوط شده اند. نگهبانی ماه هفتم و روز شانزدهم هر ماه را به عهده ایزد مهر است.</p>	<p>آیین: محیط زیست</p> <p>در اوستا آب در پارسی باستان آبی و در فارسی آب گفته می شود. در اوستا بارها آب به معنی فرشته نگهبان آب استعمال شده و همه جا به صیغه جمع آمده است. نام ماه هشتم از سال خورشیدی و نام روز دهم از هر ماه را، آبان می دانند. ایزد آبان موکل بر آهن است و تدبیر امور و مصالح ماه به او تعلق دارد. به سبب آنکه زو که یکی از پادشاهان ایران بود در این روز با افراسیاب جنگ کرده، او را شکست داده، تعاقب نمود و از ملک خویش بیرون کرد. ایرانیان این روز را جشن می گیرند، دیگر آنکه چون مدت هشت سال در ایران باران نیارید مردم بسیار تلف گردیده و بعضی به ملک دیگر رفتند. عاقبت در همین روز باران شروع به باریدن کرد و بنابراین ایرانیان این روز را جشن کنند. آفتاب در این ماه در برج عقرب یا کژدم قرار می گیرد.</p> <p>آثر: محیط زیست</p> <p>در اوستا آثر، آثر، در پارسی باستان آثر، در پهلوی آثر، و در فارسی آذر می گویند. آذر فرشته نگهبان آتش و یکی از بزرگتری ایزدان است. آریاییان (هندوان و ایزدان) بیش از دیگر اقوام به عنصر آتش اهمیت می دادند. ایزد آذر نزد هندوان، آگنی خوانده شده و در ونا (کتاب کهن و مقدس هندوان) از خدایان بزرگ به شمار رفته است. آفتاب در این ماه در برج قوس یا کماندار قرار می گیرد.</p> <p>نق: زیستگاه، برف رودخانه</p> <p>در اوستا داثوش یا دادها به معنی آفریننده، دادار و آفریدگار است و</p>	<p>غالباً صفت اهورامزدا است و آن از مصدر 'دا' به معنی دادن و آفریدن است. در خود اوستا صفت دثوش (=دی) برای تعیین دهمین ماه استعمال شده است. در میان سی روز ماه، روزهای هشتم و بیست و سوم به دی (آفریدگار، دثوش) موسوم است. برای اینکه سه روز موسوم به 'دی' با هم اشتباه نشوند نام هر یک را به نام روز بعد می پیوندند. مثلاً روز هشتم را دی باز و روز پانزدهم را دی بمره و... دی نام ملکی است که تدبیر امور و مصالح روز و ماه دی به او تعلق دارد.</p> <p>بهمن: برف</p> <p>در اوستا وهمنه، در پهلوی وهمن، در فارسی وهمن یا بهمین گفته شده که کلمه ای است مرکب از دو جزء: 'هو' به معنی خوب و نیک و 'مند' از ریشه من به معنی منش؛ پس یعنی بهمنش، نیک اندیش، نیک نهاد. نخستین آفریده اهورامزدا است و یکی از بزرگترین ایزدان مزدیسنا. در عالم روحانی مظهر اندیشه نیک و خرد و توانایی خداوند است. انسان را از عقل و تدبیر بهره بخشید تا او را به آفریدگار نزدیک کند. یکی از وظایف بهمین این است که به گفتار نیک را تعلیم می دهد و از هرزه گویی باز می دارد. خروس که از مرغکان مقدس به شمار می رود و در سپیده دم با بانگ خویش دیو ظلمت را رانده، مردم را به برخاستن و عبادت و کشت و کار می خواند، ویژه بهمین است. همچنین لباس سفید هم از آن وهمن است همه جانوران سودمند به حمایت بهمین سپرده شده اند و کشتار در بهمین روز منع شده است. بنا به نوشته</p>
<p>ابوریحان بیرونی جانوران سودمند به حمایت بهمین سپرده شده اند و کشتار در بهمین روز منع شده است. بهمین اسم گیاهی است که به ویژه در جشن بهمینچه خورده می شود و در طب نیز این گیاه معروف است.</p> <p>اسفند: دودن در برف زمستانی</p> <p>در اوستا اسپنتا آرمیتی، در پهلوی اسپندر، در فارسی سپندار مذ، سفندارمذ، اسفندارمذ، و گاه به تخفیف سپندار و اسفند گفته شده که کلمه ای است مرکب از دو جزء:</p>	<p>سپنده، صفت است به معنی پاک و مقدس، یا ارمثی هم مرکب از دو جزء: اول آرم که قید است به معنی درست، شاید و بجا. دوم متی از مصدر من به من معنی اندیشیدن. بنابراین ارمثی به معنی فروتنی، بردباری و سازگاری است و سپنته آرمثی به معنی بردباری و فروتنی مقدس است.</p> <p>در پهلوی آن را خرد و کامل ترجمه کرده اند. سپندارمذ یکی از امشاسپندان است که مونت و دختر</p>	<p>اهورامزدا خوانده شده است. وی موظف است که همواره زمین را خرم، آباد، پاک و بارور نگه دارد، هر که به کشت و کار بپردازد و خاکی را آباد کند خوشنوی اسپندارمذ را فراهم کرده است و آسایش در روی زمین سپرده به دست اوست و خود زمین نیز نماینده این ایزد بردبار و شکیباست و مخصوصاً مظهر وفا و اطاعت و صلح و سازش است. بیدمشک گل مخصوص سپندارمذ می باشد.</p>